

روایت خبری از میان اسناد قدیمی در ارض اقدس

کرامت امام رضا(ع) با رفع بلا از شهر مشهد



گذری بر داستان ایجاد مکانی برای پناه بی‌خانمان‌ها که

پس از ۱۲۰سال هنوز محقق نشده است

تاریخ سرد گرم‌خانه‌مشهد

طوبی اردلان؛ سوز یله از سرما بر زمین‌های خشک، آتش نیمه جان گوشواره شده بر گوشه کپراه در زمینه تاریک و آدم‌هایی که برف اندوه نشستہ بر شانه‌ها. قامتشان را چون ساقه ترد چوبی خمیده است. آوارگان بی‌خانه شهر بهشت و غریبان قریب‌ترین نقطه زمین؛ این تصویری است که این روزها تقریباً در بعضی از فضا‌های شهر دیده می‌شود و ما آنان را در چند دسته با عنوان فقرا، درماندگان، کارتن‌خواب‌ها یا بی‌خانمان‌ها می‌شناسیم. هستند و بیابید بی تعارف درباره‌شان حرف بزنیم. این افراد که در فصل‌های سرد سال مهم‌تر می‌شوند و وقتی سرما استخوان می‌ترکاند و جان‌پناهی برایشان نیست، در صدر اخبار می‌نشینند تا برای اسکان و سامان‌دهی‌شان طرح‌های مختلف روی میز مسئولان قرار می‌گیرد، اما مستندات می‌گویند همه آن طرح‌ها پس از خاموشی آتش سرما، روی کاغذ یخ می‌زند تا سال بعد و نوبه‌ای دیگر که اگر این‌طور نبود طرح ایجاد گرم‌خانه که سال‌ها گفته شد تا حالا باید سرانجامی پیدا می‌کرد، اما ما این زخم را هر سال با اختصاص چند مکان موقتی پانسمان کرده‌ایم تا فصلی دیگر و سرمایی دیگر. مشهد با این گستردگی و جمعیت تنها یک گرم‌خانه دارد و دومین آن معلوم نیست کی به بهار بنشینند و تاریخ ناقص آن را کامل کنند. البته شهرداری مشهد هم همه ساله گرم‌خانه‌های فصلی متعددی برای حمایت از خیابان‌خواب‌ها ایجاد می‌کند که به طور معمول فلسفه وجودی آن، برای فصول سرد سال است. در هر صورت در این گزارش تاریخی را بررسی کردیم که بیش از یک قرن است می‌دود، اما به ایستگاه آخر نمی‌رسد.

- ۱۲۰سال پیش، گرم‌خانه!

موضوعی که در شهر مشهد (شهری که قرن‌هاست حکم پناهگاه را داشته‌و دارد) حرفش همیشه‌با شروع فصل‌های سرد‌داغ می‌شود، ایجادگرم‌خانه‌است. همان موضوعی‌که هُرمش تنها‌تور چند جلسه‌با حضور مسئولان یا تیتَر چند جریده را گرم می‌کند و پس. آن هم ایجاد گرم‌خانه‌های موقت فصلی و نه گرم‌خانه‌های دائمی. البته ایجاد گرم‌خانه‌های دائمی هم همیشه فصل‌الختام این بحث بوده، ولی‌گویا به سرانجام نمی‌رسد؛ زیرا مشهد از دهه‌۷۰ قرن گذشته تا کنون تنها یک گرم‌خانه ثابت دارد و آن هم «خانه سبز» است با گنجایش ۳۰۰نفر در خین عرب که اگر این رقم را بگذاریم کنار آمار بی‌خانمان‌های شهر، یعنی هیچ. حالا اگر برایتان بگویم که این دغدغه لاینحل عمری به درازای ۱۲۰سال دارد، ماجرا عجیب و باورناپذیر می‌شود؛ زیرا که نشان می‌دهد، ایجاد گرم‌خانه در هیچ دوره‌ای برای دولت یا حکومت‌ها توجیه اقتصادی نداشته است. علاوه بر این، نداشتن متولی ساخت هم یکی دیگر از دلایل باقی ماندن این طرح روی کاغذ‌هاست.

نخستین خبر ساخت گرم‌خانه در مطبوعات مشهد

جالب است بدانید نخستین خبر مطبوعاتی که در آن به سرمای هوا و ایجاد گرم‌خانه اشاره کرده، مربوط به ۶۶ ذوالقعدة ۱۳۲۰ هجری قمری (۱۲۸۱ خورشیدی) است که از قراری، پس از مردن تعدادی از فقرا در سرما به عنوان یک مطالبه مردمی چاپ و منتشر می‌شود. خبری که نیرالدوله، والی خراسان، به آن واکنش نشان می‌دهد و تصمیم می‌گیرد تا شکستن استخوان زمستان، این ستم‌دیدگان مسکین را پناه دهد: «امسال به حدی برف و سرما در شهر مشهد اشتداد بهم رسانیده(شدید شده) که در شب جمعه ۲۳شوال وقت اذان صبح، درجه میزان الحرارة(سانتی‌گراد) که در بیرون اتاق نصب شده بود، چهارده درجه زیر صفر واقع بود. چند نفر از فقرا و غریبا در میان مسجد و صحن‌ها از سرما سیاه شده و به هلاکت‌رسیدند. ماجرایه‌سمع‌والاشاهزاده‌نیرالدوله‌والی مملکت خراسان و سیستان رسید، ایشان مقرر فرمودند که در تمام محلات این‌شهر(در هر محله دو مکان بزرگ) برای گرم شدن و خفتن فقرا و غریبای بی‌سر و سامان تهیه و برای هر یک از آن‌ها پنجاه من هیزم تحویل شود که در دو دفعه بسوزانند و اطاق را گرم نگاه دارند.»

کوتاه درباره بخش سکه‌های موزه آستان قدس رضوی

سکه‌های نقره هخامنشی با نام شِکِل

موزه

سید مهدی سید قطبی

مشهد مقدس از قرار مکتوب خبرنگار خراسان که با نگاشته معتمدالسلطان عبدا... خان، وکیل امارت جلیله افغانستان، توأم به اداره رسید. در هنگامی که مرض موحش گلرا(وبا) در آن نواحی شدت داشت، شخصی افغانی از اهل هرات که به زیارت آمده، خوابی دیده و پس از اجرای امری که در خواب به وی اشاره شده بود، رفع بلا از آن سامان شده است و شرح آن را بی کم و کاست از مکتوب وکیل افغانستان نقل کرده، ذیلاً می‌نگاریم.

- صورت مکتوب

«شخصی افغانی که اسم مبارکش «آخوندزاده ملامحمداکبر» از اولاد گندمعلی بوده است. پسرش محمدصالح نام به مرض سنگ مئانه‌گرفتار بوده. کاغذی از جناب مستطاب جلال‌ت‌مأب حکمران دارالنصره هرات به اسم دوستدار آورده که جناب آخوندزاده به زیارت حضرت امام همام علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) مشرف می‌شود و کسی را در آن ولایت نمی‌شناسد و معالجه پسرش را کرده، پس به طرف دارالنصره هرات می‌آید. این بود که وی به زیارت حضرت امام همام^(ع) مشرف شد، از دوستدار خواهش نمود یک نفر از ملازم دوستدار با او همراه نموده، به دواخانه خارجه بفرستد که سنگ مئانه پسرش را بیرون آورده، بپهود یابد. هفت هشت روز قبل پیش از این، آمد به دوستدار گفت: «الحمدا... پسر من، صحت یافته. خیال دارم که به طرف دارالنصره هرات بروم.»

در جـواب گفته شد: «بسیار خوب، چگونه؟»

بعد اظهار نمود و گفت: «شب خواب دیدم که در مجلس حضرت امام همام^(ع) مشرف شدم. روی مبارک را به من روسیاه نموده، فرمود: «این ناخوشی، بیماری وبا که در میان مردم است به نائب‌التولیه‌عرب‌آستان قدس بگویند که باید جمعی از سادات را با خود در بیرون شهر برده، تضرع و زاری و مناجات نمایند. در باطن دعای آن‌ها مستجاب خواهد بود.» بعد از خواب گفتن، گفت: «من نائب‌التولیه‌عرب‌رانمی‌شناسم، هرگاه می‌شناسید به او بگویید خوابی که شخص بزرگوار دیده است که اظهار شد، زیاده زحمت ندارد. ایام عزت مستدام باد به رب‌العباد.»

امضا
عبدا... کارپرداز افغانستان

خبرنگار روزنامه ادب می‌نویسد که بعد از انتشار این خواب جناب مستطاب اشرف آقای نائب التولیه مدظله‌العالی به اصرار اعظم و اکابر دانشمندان با جماعتی از سادات و کسبه و اصناف و غیره که تقریباً ۱۰ هزار نفر متجاوز بوده به مصلاّی خارج شهر مشهد رفته و با تضرع و زاری مشغول نماز و دعا شده، رفع بلا از حضرت شافی کافی درخواست نمودند. خود این بنده نیز در آن مصلی حاضر بوده و (گفته) چنان رقتی در مردم دیدم که گمان دارم از عهد حضرت یونس^(ع) تا کنون چنین حالی از بندگان خدا یافت نشده بود و از آن روز از شهر

مشهد رفع عارضه‌گردید، بلکه در سایر نواحی نیز رو به بهبودی است. مخبر ادب در ادامه آورده است که: «روا باشد اناالحق از درختی / چرا نبود روا از نیک‌بختی.» اگر اندکی چشم بصیرت بازکنیم و مقامات و مدارج حسبی و نسبی حضرت اشرف آقای نائب‌التولیه را مشاهده نماییم جای تعجب نخواهد بود. زیرا که این مرد بزرگوار علاوه بر اینکه ثمره شجره نبوت و امامت و دوحه فرع فتوت و کرامت است شخصا آمر به معروف و ناهی از منکر و دارای عصمت و طهارت فطری می‌باشد. از جمله اموری که این بنده به‌رای‌العین از ایشان دیده‌ام آن است که در اول وقت فریضه هر کار فوری و امر فوتی که در دست داشته‌اند از انجام به آن صرف‌نظر فرموده و به نماز پرداخته‌اند و می‌توان درباره ایشان گفت:

«کسان در واجبات آرند تأخیر
تأخیر تو نگذاری زکف هرگز نوافل»

زیرا که تمام اعمال وادعیه مستحبه را در موقع خود از دست نداد و از همه‌والا‌تر و شریف‌تر اینکه در اعانت مظلوم وامانده غمگین از هیچ‌گونه زحمت و مشقت اعراض نفرموده‌اند. یکی از آثار شریفه ایشان اقامه جشن میلاد حضرت ثامن‌الائمه^(ع) می‌باشد که هر سال این جشن مبارک را تجدید کرده و چنان برپا داشته‌اند که از وصف و بیان ما خارج است:

حدیث فضل را آب بحر کافی نیست
که ترکنی سرانگشت و صفحه بشماری
نگارنده‌محمدصادق‌الحسینی‌خراسانی‌حرره‌الحقیر سلطان کاتب محلاتی.»



چادرنشینی بی‌خانمان‌ها در اوایل دهه‌۵۰خورشیدی

پناه بودن حرم مطهر امام رضا^(ع) در همه دوران‌ها سبب می‌شده تا مشهد همیشه نقطه آمال و آرزوها باشد. برای همین از گذشته تا هنوز درماندگان به امید درمان، بیماران یا آرزوی دوا و در راه ماندگان به هوای ماندگاری راه سوی خراسان پیش می‌گرفته‌اند و این موضوع سوای زیبایی اش، شهر را با مشکلاتی روبه رو می‌کرده که چادرنشینی و پست نشینی از نمونه‌های آن است؛ ورود جمعیتی بی جا و مکان که بارشان بر دوش شهر می‌مانده و تصاویری نظیر این را ثبت می‌کرده است.



نمایی از گرم‌خانه «خانه سبز»مشهد

شهر مشهد جسدی را مأموران نظمیه پیدا می‌نمایند در حالی که به کلی‌گوشت‌های او را حیوانات خورده بودند. آنچه حدس می‌زنند، این جنازه جسد زنی رخت شوی بوده که از سرما تلف گردیده است.»

- ایجاد گرم‌خانه همچنان یک‌ریاست

ایجاد گرم‌خانه حتی با ورود به قرن ۱۴ و با توجه به سیر صعودی ساخت‌وسازها و تغییر کالبد شهری هم همچنان یک ریاست، البته مساکین مانندگذشته در دارالعجزه و دارالمساکین که زیر مجموعه آستان قدس رضوی هستند، اسکان داده می‌شوند. اما ظرفیت این دو مکان در مقایسه با حجم عظیم بی‌خانمان‌ها در آن روزگار، تداعی‌کننده حکایت فیل و فوجان است. با این همه در دی‌ماه ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۶ خورشیدی دوباره موضوع گرم‌خانه‌در بلدیهمطرح شده است و شهرداری طرح جمع‌آوری فقرا را به نظمیه محول می‌کند، اما به آنان می‌سپارد که از میان افراد جمع شده، آنان را که بنیه کاری دارند، برای کار در راه‌سازی ببرند و باقی را در یک گرم‌خانه موقت تا فروکش کردن آتش سرما پناه دهند. گرم‌خانه‌ای که بلدیہ در نظر می‌گیرد هم گویا کاروان‌سراییی جنب دروازه سراب بوده است. در ادامه هم آستان قدس در سه محله سراب، نوغان و عیدگاه محل‌هایی را برای پذیرایی فقرا تعیین می‌کند.

- ایجاد مشاغل برای بی‌خانمان‌ها

۱۸ دی ۱۳۱۱ برابر گزارش جراید مشهد، بلدیہ در یک نوبه ۶۰۰ و در نوبه بعدی ۵۹۴مسکین بی‌خانمان از شهر

گروه تاریخ و هویتا بخش سکه در موزه مرکزی آستان قدس

رضوی، مجموعه سکه‌های ایران در دوران پیش از اسلام، دوره اسلامی و همچنین سکه‌های دیگر کشورهای جهان را پیش چشم بازدیدکنندگان قرار داده است.

از جمله سکه‌های پیش از اسلام در دوران سلسله هخامنشیان را می‌توان در زمان کوروش کبیر دانست.

بنیان‌گذار سلسله هخامنشیان، پس از شکست کروزس (آخرین پادشاه لیدی) و تسخیر شهر سارد در سال ۵۴۷میلادی، متوجه

ضرب سکه در این نواحی شد و آن را ادامه داد، اما دیگر سکه‌های

ایران باستان با نقش پادشاهان هخامنشی، در زمان داریوش اول ضرب شد. او سکه‌های طلا به نام ذریک یا زَرِیک (به وزن تقریبی ۸/۵ گرم) و سکه‌های نقره به نام سیکِل یا شِکِل (به وزن تقریبی ۵/۵ گرم) را ضرب کرد.

تصویر روی این سکه‌ها که در تصویر می‌بینید، پادشاه هخامنشی را با تیر و کمان یا نیزه نمایش داده است.

پشت سکه‌ها نیز یک پرورفتگی مستطیل شکل وجود دارد.

